

خدمتکار

www.ketab.ir

نیتا پروز

مترجم:

فاطمه نوروزی



خدمتکار

The Maid

نیتا پروز

ترجمه: فاطمه نوروزی

ویراستار: الهه باقری سنجرئی

- نشر: جمهوری، چاپ اول ۱۴۰۲، شمارگان: ۳۰۰ نسخه
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۸-۱۴۵-۲
- لیتوگرافی، چاپ، صحافی: ترنج
- صفحه‌آرایی و طرح جلد: گروه هنری جمهوری
- قیمت: ۱۹۸۰۰۰ تومان
- حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

سرشناسه:	پروژه نیتا
عنوان و نام پدیدآور:	خدمتکار/نیتا پروز؛ مترجم فاطمه نوروزی.
مشخصات نشر:	تهران: انتشارات جمهوری، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری:	۳۰۴ ص.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۴۶۸-۱۴۵-۲
وضعیت فهرست نویسی:	فهرست نشده
موضوع:	داستان‌های کانادایی — قرن ۲۱ م.
شناسه افزوده:	نوروزی، فاطمه، مترجم
رده‌بندی کنگره:	PR۹۱۹۹/۴
رده‌بندی دیویی:	۸۱۳/۶
شماره کتابشناسی ملی:	۹۰۹۳۸۰۳

دفتر و فروشگاه مرکزی: خیابان انقلاب، فخررازی، شهدای ژاندارمری غربی، شماره ۸۸، تلفن: ۶۶۴۸۵۱۱۴
فروشگاه ۱: خیابان جمهوری، مقابل خیابان صف، شماره ۲۳۰، تلفن: ۳۳۹۳۰۳۹۰

jomhooripub.com
jomhooripublication
nashre.jomhoori@gmail.com



نشر
جمهوری

مقدمه‌ی مترجم

خواننده‌ی عزیز، اجازه بدهید یادداشت کوتاه و خودمانی‌ام را با خاطره‌ای آغاز کنم. نوجوان کنجکاو و درون‌گرایی بودم. هم‌سن و سال‌های من خوب به یاد دارند که آن وقت‌ها لازم بود با صبر و حوصله یکی دو ساعتی وقت بگذاری تا ارتباط تلفنی بین شهری برقرار شود. از آن‌جا که کاسه‌ی صبر پدر بنده زود سرریز می‌شد، اگر تصمیم می‌گرفت تلفنی با دوست یا فامیلی خارج از شهر گپی بزند حتماً مرا صدا می‌کرد. در سالن پذیرایی، پای تلفن سبزرنگ مان می‌نشستم، پشت سر هم انگشت می‌چرخاندم و ابداً گمان نکنید که دلم می‌خواست ارتباط زودتر از یکی دو ساعت برقرار شود. به هیچ وجه! من همیشه منتظر آن لحظه‌ی خارق‌العاده و جادویی بودم، همان لحظه‌ای که به اصطلاح آن وقت‌ها خط روی خط می‌افتاد. همان اتفاق ساده چنان قلب لرزانم را خوش می‌کرد که در وصف نمی‌گنجد: دو غریبه جایی دور یا نزدیک، با لهجه‌ای آشنا یا غریب، با هم حرف می‌زدند، بی‌آنکه بدانند دخترک کنجکاو به حرف‌هایشان گوش سپرده است. گاه بگو بگو می‌کردند، گاه حرف‌های معمولی و ملال‌آور می‌زدند و گاه با صدای لرزان رخت عاشقی می‌دوختند. گاهی هم فقط صدای یکی را می‌شنیدم و باید پاسخ‌های فرد مقابل را خودم حدس می‌زدم و آخر که چه لذتی داشت این راز کوچکم. دستم را آن قدر بالای شاسی نگه می‌داشتم تا خط از روی خط کنار برود و ابداً مهم نبود چقدر طول بکشد. گوشی را چنان محکم به گوشم می‌چسباندم که نکند کلمه‌ای توی سیم‌های جادویی تلفن گم و گور شود و به من نرسد.

از بخت بد! خطوط تلفن ایران تقویت شد و این خوشی هم چون بسیاری از خوشی‌های دوران نوجوانی از قامت زندگی حذف شد. البته چندان مهم نبود، خیلی زود همان تب و تاب ناب را با خواندن قصه تجربه کردم.

حالا که سال‌ها از آن روزگار می‌گذرد و دیگر نه بابا هست و نه آن تلفن سبزرنگ، همچنان از سوراخ کلید روایت به زندگی خیلی‌ها سرک می‌کشم، بی‌آنکه نگران باشم کار زشتی می‌کنم و دلم بلرزد. حالا که داستان‌های زیادی خوانده‌ام همچنان همان حال و هوای سرشار از کنجکاوی برای کشف و شناخت آدم‌های دیگر در من زنده است. دیگری‌هایی که هر یک بخشی از من را در خود دارند، به من دور، بسیار دور، نزدیک یا بسیار نزدیک هستند. حالا می‌دانم اگر نظرها انسان درباره‌ی زندگی و هرچه به آن مربوط است ساخته و پرداخته‌ی تجربه‌های متفاوت باشد، خواندن داستان بر تجربه‌ی او از زندگی افزوده، قوام آن را بیشتر، انبان را پرتر، روابط را بالغانه‌تر و شور زندگی را تجربه‌پذیرتر خواهد کرد. کار به ظاهر ساده و به یقین شیرین خواندن فقط جای دنجی و انگیزه‌ای می‌خواهد.

اگر انگیزه‌ای برای شناخت آدم‌ها یا حتی فرار از بی‌ملاحظی‌های این روزها دارید، بیایید با هم در پوست یک خدمتکار بیست و پنج‌ساله برویم و از دریچه‌ی چشم او به جهان نگاه کنیم، نگاهی که سبک نگاه‌های دیگر نخواهد بود. تجربه‌ی شناختن دختری ساده که عاشق کارش است و یک اتفاق غیر معمول در یک بعد از ظهر خیلی معمولی زندگی‌اش را دگرگون می‌کند و افق‌های تازه‌ای را به رویش می‌گشاید. پروز پس از سال‌ها تجربه‌اندوزی در ویرایش آثار نویسنده‌های مشهور بسیاری، در نخستین تجربه‌اندوزی‌اش در کار نوشتن خلاق، این رمان را در سال ۲۰۲۲ منتشر کرد و با استقبال بسیار خوبی مواجه شد. یک درام جنایی خوش‌خوان که امیدوارم از خواندنش لذت ببرید.

فاطمه نوروزی